نسبت امنیت و عدالت

داود موذنیان

اشاره:
نگارنده نوشتار حاضر با رویکرد منظومه‌وار به ارزش‌ها، ترابط و نسبت میان امنیت و عدالت را در حد توان به رشته تحریر درآورده است که اینک تقدیم خوانندگان محترم می گردد.

***

عدالت حقیقتی اســت که از ابتدای تاریخ همه انسانها به دنبال آن بوده‌اند. آرمانی که اگر نگوئیم همه، اما اکثر جنبش‌ها، قیام‌هــا، نهضت‌ها و انقلاب‌ها ولو در ظاهر داعیه‌دار آن بوده و وعده‌ای که همه پیشوایان طنین آن را سر داده و تمام حکومت‌ها ولو در شعار و با مژده آن توده‌ها را با خود همراه کرده‌اند.

عدالت بخش ماهوی جامعه و دولت اسلامی

در قاموس اسلام عدالت نه یک شعار که بخشی از حقیقت جامعه و جزء لاینفک دولت، بلکه بخشــی از ماهیت و معرِّف جامعه و حکومت است، به گونه‌ای که زوال آن از پیکره جامعه و حاکمیت نفی قید اســلامیت از ایــن دو را رقم خواهد زد. گوهری که نادیــده گرفتنش، موجب تزلزل ثبات اجتماعی و شکســت یک ملت، و اجرای آن پایداری و اســتحکام جامعه را تضمیــن خواهد کرد، همچنان‌که از امیرالمومنین در کتاب شــریف غررالحکم منقول اســت که می‌فرماید: «العدلُ قوامُ البریّــة و الظلمُ بوارُ الرعیّة» یعنی: عدالت، مایه قوام و پایداری مردم است و ستم و ظلم، موجب هلاک یک ملت. (غررالحکم و دررالکلــم آمدی، ص۱۴۱) و نیــز می‌فرمایند: «ثباتُ الدُّوَلِ بالعدل»؛ عدالت حقیقتی است که باعث قوام و ثبات یک دولت می‌شــود.(همان، ج۱، ص ۳۲۹) همچنانکه در مورد سستی و ضعــف دولت‌ها و حکومت‌هایی که به عدالت رفتار نکنند و در مورد از میان رفتن اقتدارشــان می‌فرمایند: «مَنْ جارَتْ ولایتُهُ زالت دولَتُهُ» و یا «مَنْ عَمِلَ بالعدلِ حَصَّنَ اللهُ مُلْکَهُ». کسی که بــه عدالت عمل کند خداوند قلم و حکومتش را حفظ خواهد کرد.(همان، ج۲، ص ۱۸۷)

اکنون در آســتانه چهلمین ســال از عمر بابرکت انقلاب اسلامی هستیم و عدالت به عنوان جزء ماهوی آن همواره مورد مطالبه اقشار و اصناف مختلف واقع گشته است. همان‌گونه که پیشتر در یادداشــت «ترابط عدالت و معنویت»اشاره گشت، حرکت‌های عدالت‌خواهانه حق طبیعی همه آحاد است اما آنچه که مداقّه در آن باید مسبوق بر هر حرکت عدالت‌خواهانه باشد کاویدن، تبیین و تفهیم مفهوم عدالت و مشخص گشتنِ نسبت آن با دیگر مفاهیم ارزشی دیگر است. اهمیت این کاوش حول مفهوم و ترابط عدالت با دیگر مفاهیم مثبت در جایی مشخص می‌گردد که توهّم تقابل برخی مفاهیم مثبت با عدالت همچون امنیت، عقلانیت، مصلحت، معنویت، سیاست و... بلکه پندار تفوّق آن مفاهیم بر عدالت، همواره تکلّف‌زا و در بسیاری از موارد مانعی جدی در راه مطالبه عدالت بوده و مطالبات عدالت‌خواهانه را با ناهمواری‌ها و ناملایماتی همراه ساخته است.

به عبارت دیگر، با گام نهادن در چهلمین سال انقلاب که نمادی از تکامل فکری محسوب می‌شود، بایسته است که بینش ما نسبت به مفاهیم ارزشی و ارتباط آنها با مقوله عدالت بالغ‌تر گردیده و نیز مطالبات عدالت‌خواهانه مبتنی بر یک درک صحیح از عدالت و ترابط آن با سایر مفاهیم مثبت باشد.

با توجه به توضیحات فوق گفته می‌شود که آنچه در ادامه ســعی شده بدان پرداخته شود، چیستی نسبتی است که بین عدالت و امنیت برقرار اســت. بر این اساس گفتار پیش رو را با پاســخ به این پرسش‌ها پیش خواهیم برد: آیا عدالت مفهومی مطلق است یا همچون اکثر مفاهیم دیگر قابلیت نسبی بودن را دارد؟ ثمره هر کدام از طرفین ســوال پیشین- مطلق بودن عدالت یا نسبی بودن آن -چیست؟ رابطه مفهوم امنیت با اطلاق و یا نسبی بودن چگونه است و ثمره آن چیست؟ در ادامه، پاسخ به این پرسش‌ها را در ذیل چند گفتار بررسی خواهیم کرد.

گفتار نخست: عدالت به مثابه حقانیت

در ابتدا لازم است هرچند کوتاه و مختصر تعریفی از مفهوم عدالت ارائه گردد. در مکاتب مختلف فکری تعاریف گوناگونی از عدالت ارائه شــده که هر کدام از آن تعاریف مولود نوع نگاه هســتی، انسان و جامعه‌شناسانه آن مکتب است که البته بیان آنها در این مختصر نه ضرورتی دارد و نه با توجه به هدف این سطور، اهمیتی. آنچه که مورد اهمیت است تعریف مورد پذیرش متفکرین اسلامی از این مفهوم است.

از لحاظ اصطلاحی، در مورد عدالت چهار تعریف کلی عنوان شــده: «برابری و تســاوی»، «تناسب و توازن»، «عطاء حق به صاحب حق»، «حد وسط افراط و تفریط»[1] که در سنت اسلامی به تعریف ســوم بیشتر توجه شده و عدالت به مثابه حقانیت و یا ابزاری برای قرار دادن حقانیت در موضعش تعریف شــده و می‌توان ادعا کرد که این تلقی از عدالت تقریبا مورد قبول همه اندیشمندان بزرگ جهان اسلام است.[2] بر این اساس بین عدالت و حقانیت یک نحوه اتحاد برقرار است، هر آنچه که حقانیت دارد عین عدالت و هر آنچه که مصداق عدالت محسوب میگردد عین حق و حقانیت است. در واقع بر اساس تفکر شیعی، عدالت حسن ذاتی دارد در مقابل ظلم که قبح ذاتی دارد.

با توجه به آنچه که اشاره گشت چند نتیجه حاصل می‌شود:

۱. نقیض حقانیت، باطل اســت و نقیض عدالت، ظلم و از آنجا که حقانیت و عدالت از سنخ هم هستند نقیض آنها نیز از یک سنخ است، بنابر این ظلم عین باطل است. هر جا که ظلم بود عدالت و حقانیت پایمال می‌گردد و هرجاکه عدالت تجلی کرد باطل و ظلم محو می‌گردد.

۲. هر مفهوم ارزشی که در ذات خویش تهی از عدالت گردد و یا منتهی به نقض عدالت شود قید ارزشی خود را از دست داده، فاقد ارزش می‌گردد، زیرا در صورتی که مفاهیم دیگر همچون سیاست، اقتصاد، امنیت، مصلحت، معرفت و ... ذاتا تهی از عدالت گردند، ناگزیر تهی از حقانیت می‌شوند و هر آنچه که از حقانیت تهی گشت مساوی باطل است. نیز اگر نتیجه اعمال آنها نقض عدالت در جایی باشد برابر است با نقض حق و حقانیت و حاکم شدن باطل و ظلم در آنجا.

عدالت در قیــاس با امنیت از ارزش برتری برخوردار است؛ چراکه نظام‌های امنیتی بدون توجه به «عدالت» ممکن است استقرار یابند، اما استمرار نیافته رو به زوال می‌گذارند. در صورتی که نظام‌هــای عادلانه لاجرم به استقرار و اســتمرار امنیت منتهی می‌شوند و به تعبیری، عدالت چنان تعریف و ترسیم شده که «امنیت واقعی» درون آن قابل تکوین و استقرار است.

۳. عدالت بر خلاف سایر مفاهیم فی نفسه دارای ارزش است، به این معنی که حقانیت جزء ماهوی عدالت است به گونه‌ای که اگر حقانیت از عدالت نفی گردد مفهوم عدالت به نقیض خود بدل می‌گردد همچنانکه اگر عدالت را از حقانیت سلب کنی چیزی به نام حقانیت باقی نمی‌ماند و آنچه که هست دیگر حق نیست.

مفاهیم دیگر اگرچه با حقانیت پیوندی تنگاتنگ دارند اما حقانیت جزء وجوی و ماهوی آنها نیســت. به این بیان که اگر حقانیت از هر یک از این مفاهیم- مثلا سیاســت یا اقتصاد و غیره- جدا شود آن مفاهیم به نقیض خویش تبدیل نمیشوند، مثلا سیاســت به عدم سیاســت یا اقتصاد به عدم اقتصاد بدل نمیگردد بلکه نتیجه نفی حقانیت از آنها منحرف شدن مسیر صحیح و سیر استکمالی آنهاست و در نتیجه سیاست به سیاستی غیر حقگرا، اقتصاد به اقتصادی غیر حقگرا و نیز امنیت به امنیتی غیر حق‌گرا تبدیل خواهند گشت و مفاهیم دیگر هم به همین صورت. زیرا هدف هر یک از مفاهیم مذکور نهایتا کمال جامعه است، از این رو اگر حقانیت از آنها سلب گردد ابزارها و اهداف آنها دچار انحراف و در پی آن سیر استکمایی جامعه دستخوش تغییر و انحراف می‌گردد. بر این اساس حقانیت شرط لازم صحت آن مفاهیم است نه جزء ماهوی و ذاتی آنها.

بنابر این: اولا؛ از آنجا که عدالت به مثابه حقانیت اســت به گونه‌ای که به واسطه عدالت، حق و حقانیت در مکان خودش قرار می‌گیرد[3]، فی نفسه و به خودی خود دارای ارزش، و حسن ذاتی دارد زیرا که حقانیت به خودی خود والا و مقدس است و هــر آنچه که ذاتش با حقانیت پیوند وجودی دارد دارای وصف «ارزشمندی به خودی خود» است.

ثانیا؛ اگر اتحاد حقانیت و عدالت را نپذیرفتیم از این حقیقت نمی‌توان چشم پوشی کرد که عدالت فی نفسه کانال و واسطه قــراردادن حقانیت در محل و جایگاه خویش اســت[4] و هیچ مفهومی به تنهایی همچون عدالت قابلیت این واسطه گری را ندارد. به این معنا که هر مفهوم دیگری با ضمیمه شدن صفت عدالت به خود واسطه جاری شدن حقانیت می‌گردد اما عدالت بدون نیاز به هیچ مفهوم دیگری و تنها به واسطه ذات خویش توانایــی قرار دادن حق در موضع خود را دارد. این خصوصیت منحصر به فرد عدالت خود گواه بر «فی نفسه» ارزشمند بودنش اســت. در مقابل سایر مفاهیم که به واسطه پیوندشان با گوهر عدالت دارای ارزش می‌شوند.

گفتار دوم: عدالت ارزشی مطلق یا نسبی؟

اطلاق و نســبیتِ مفاهیم از حیث ارزشی باید با توجه به نسبتشان با حق و حقانیت مورد داوری و ارزیابی قرار گیرد. به این بیان که، هر مفهومی که «فی نفسه و بِذاته» قابلیت بیشتری در آینه و صراط بودن برای حقانیت را دارا باشد نسبت به مفاهیم دیگر از حیث ارزشــی اطلاق دارد. بنابر این قید «فی نفسه و بِذاته» قیدی تعیین‌کننده است.

همان‌طور که اشــاره شــد، عدالت بر خلاف سایر مفاهیم، خود فی نفســه و به ذاته و بدون احتیاج به صفتی دیگر کانال و واســطه حقانیت قرار می‌گیرد، بنابراین ذاتا دارای شرافت و قداست است بلکه واسطه شرافت و قداست یافتن دیگران نیز اســت. این ویژگی ممتاز باعث می‌گردد تا عدالت مطلقا دارای ارزش محســوب گردد و نسبت به دیگر مفاهیم از حیث ارزش مطلق باشد در صورتی که بین سایر مفاهیم و حقانیت همچنین ارتباط و پیوندی برقرار نیست بلکه عموما به واسطه نسبتشان با عدالت کانال استقرار حقانیت قرار می‌گیرند، پس مادامی که فاقد قید عدالت هستند فاقد تقدس و ارزش‌اند، زیرا باید با ضمیمه شدن صفت عدالت به خود واسطه جاری شدن حقانیت گردند.

در نتیجه، سایر مفاهیم علاوه بر ذات خویش به یک قید و صفت دیگری نیازمند هستند تا آنان را به حق و حقانیت پیوند زند برخلاف عدالت که در این راه به چیزی خارج از ذاتش نیاز ندارد، از این رو ارزشی بودن آنها نسبی است.

گفتار سوم: رابطه امنیت با اطلاق و یا نسبی بودن

کلمه امنیت ریشــه در واژه «امن» در زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر، و در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود.[5]

در یک جمع‌بندی کلان می‌توان مجموع تعاریف ارائه شده در بــاب امنیت را (که حدود ۱۸۰ تعریف اســت) در ذیل دو گفتمان اصلی، دسته‌بندی نمود:

۱. گفتمان سلبی: امنیت به مثابه نبود تهدید

در ایــن گفتمان امنیت به نبود تهدید، تعریف شــده و از حیث اصطلاحی عبارت اســت از: وضعیتــی که در آن منافع بازیگر از سوی رفتار دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر وجود داشته باشد.

۲. گفتمان ایجابی: امنیت به مثابه رضایت

طبق این گفتمان، امنیت وضعیتی اســت که در آن بین خواســته‌های شهروندی از یک‌سو و کارآمدی نظام سیاسی از ســوی دیگر، در پاسخگویی به نیازهای جامعه، تناسبی برقرار است؛ به گونه‌ای که در شهروندان تولید رضایتمندی می‌کند.[6]

نسبیت ارزشمندی امنیت

همان‌گونه که قبلا اشــاره شد اطلاق و نسبیت ارزش یک مفهوم با توجه به نسبتش با مقوله حق و حقانیت قابل داوری است. حال باید دید که امنیت به خودی خود کانال و رابط حق و حقانیت است یا محتاج ضمیمه شدن به قیدی دیگر است؟

با تعمق در مفهوم امنیت و تعاریف حول آن در می‌یابیم که امنیت فی نفسه یارای تحقق حقانیت را ندارد. به بیان دیگر، چه در نگاه گفتمان ایجابی و تعریف امنیت به رضایتمندی و چه در قاموس گفتمان سلبی و تعریف امنیت به نبودن تهدید، آنچه که امنیت را به امنیتی پایدار برای تمام لایه‌ها و اقشار اجتماع بدل می‌کند خود مقوله امنیت نیست زیرا امنیت حاصل مجموعه‌ای از اهداف، راهبردها و عملکردهاست که در نهایت می‌تواند منجر به رضایتمندی یا رفع تهدید گردد. این مجموعه در بطن خویش نیاز به اهرمی ثابت و پایدار دارد تا اجزاء مجموعه را به ســمت حق و حقانیت ســوق دهد. چراکه اگر این مجموعه به سمت حقانیت پیش نرود، امنیتی صحیح و پایدار برای همه اقشار و لایه‌های اجتماعی پدید نخواهد آمد بلکه آنچه که پدید خواهد آمد آمیخته‌ای از ناعدالتی، امنیت گزینشی، حاشیه امن برای عده‌ای قلیل، خشونت و هرج و مرج خواهد بود.

هرگز بدون حضــور عدالت، افراد جامعه احساس امنیت و آرامش نمی‌کننــد، زیرا ارتباط محکمی بین عدالت و امنیت در جامعه و حتی در فضای روحی افراد وجــود دارد و قرآن کریم می‌فرماید: کســانی که ایمان آوردند، و ایمانشــان را با ستمِ نیامیختند، امنیــت تنها برایَ آن‌هاست؛ و آنان ره‌یافتگانند».

پــس آنچه که امنیت را به امنیتی صحیح و فراگیر تبدیل می‌کند و شرط لازم و تضمین‌کننده صحت امنیت است حقیقتی خارج از خود مقوله امنیت اســت. برخی این حقیقت خارجی تضمین‌کننده را «قدرت» دانســته‌اند اما در قدرت نیز همین کلامی که در امنیت گفته شد مطرح است.

در حقیقــت آنچــه که قادر بر این تضمین اســت عبارت است از «ملکه عدالت». عدالت به عنوان یک ملکه نفسانی که وجودش در شــخص باعث پرهیز از گناه است، شاخصه‌ای که «فی نفسه» واسطه قرار گرفتن حقیقت در محلش و صفتی که به «خودی خود» ارزشمند است منحصرا شایستگی این را دارد تا تضمین‌کننده و شرط لازم صحت امنیت باشد.

در واقع هرگز بدون حضور عدالت، افراد جامعه احســاس امنیــت و آرامش نمی‌کنند، زیرا ارتباط محکمی بین عدالت و امنیــت در جامعه و حتی در فضای روحی افراد وجود دارد و قــرآن کریم در آیه ۸۲ ســوره مبارکه انعام نیز در این باره می‌فرماید: «الَّذِینَ آمَنُوا وَلَمْ یَلْبِسُوا إِیمَانَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَئِکَ لَهُمُ الأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ؛ کســانی که ایمان آوردند، وٌ ایمانشــان را بــا ســتمِ نیامیختند، امنیت تنها برای آن‌هاســت؛ و آنان ره‌یافتگانند».

علامــه در المیزان ذیل آیه فوق می‌فرماید: «آیه شــریفه دلالت می‌کنــد بر اینکه (امن و اهتداء) از خواص و آثار ایمان است، البته به شرط اینکه ایمان به وسیله ظلم پوشیده نشود»، و پیش‌تر گفته شــد که نقیض عدالت، ظلم است. پس نتیجه این می‌شــود که اگر عدالت برقرار گشت، ایمان حقیقی تجلی می‌یابــد و آنگاه کــه ایمان تجلی یافت، امنیــت واقعی که از خواص آن اســت ظهور می‌یابد، از این رو عدالت صفتی است که پیوندش با اجزای به وجود آورنده امنیت -که از جمله این اجزاء، افراد اجتماع هســتند- سبب می‌گردد تا امنیت به طور صحیح و کامل اجرا شود.

همچنین تفســیر نمونه در ذیل این آیه چنین می‌نگارد: «حتــی امنیت و آرامش روحی تنها موقعی به دســت می‌آید که در جوامع انســانی دو اصل «ایمان» و «عدالت اجتماعی» حکومت کند، اگر پایه‌های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد، امنیت در چنان جامعه‌ای وجود نخواهد داشت».

بر این اســاس، امنیت مقوله‌ای اســت که به خودی خود نمی‌تواند کانــال حقانیت قرار گیرد، در نتیجه به خودی خود فاقد ارزش است و ارزشمندی آن متوقف بر ضمیمه شدن عدالت بدان است. در واقع به هر اندازه که امنیت بر مدار عدالت باشد به همان اندازه ارزش آن افزون خواهد گشت و آن میزان از امنیت که بر مدار عدالت نباشد امنیتی صحیح و ارزش‌مدار نیست. پس امنیت از لحاظ ارزش، نسبی است در حالی که عدالت همچنان بر اطلاق خود پابرجاست.

گفتار چهارم: تفوق عدالت بر امنیت

از آنچه که گفته شد مشخص می‌شود که عدالت در قیاس بــا امنیت از ارزش برتری برخوردار اســت؛ چراکه نظام‌های امنیتی بدون توجه به «عدالت» ممکن اســت استقرار یابند، اما اســتمرار نیافته و رو بــه زوال می‌گذارند. در صورتی که نظام‌های عادلانه لاجرم به استقرار و استمرار امنیت منتهی می‌شــوند و به تعبیری، عدالت چنان تعریف و ترسیم شده که «امنیت واقعی» درون آن قابل تکوین و اســتقرار است.[7] بلکه استقرار بالاترین مرتبه امنیت یعنی اطمینان، محصول ثبوت عدالت است.

پانوشت:

۱- ر.ج: منظومه فکری امام خمینی، حجت‌الاسلام خسروپناه، ص ۸۱۱ الی ۸۱۴

۲- ر.ج: علامه طباطبایی، تفســیر المیزان، ج ۱، ص ۳۷۱؛ امام خمینی، جنود عقل و جهل، ص ۱۴۷ و صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۲۵؛ شهید مطهری، عدل الهی و نسبیت عدالت؛ همچنین تأکید فارابی بر اصل اعطا بر مبنای اهلیت، تصریح ابن مسکویه به اعطای حقوق به ذی‌حقان، و همچنین اصل جبران خواجه نصیرالدین طوسی، همگی بیانگر همین دیدگاه است(حسین عیوضلو، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلام).

۳- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷.

۴- همان.

۵- ر.ج: داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی.

۶- ر.ج: نســبت عدالت و امنیت در اندیشــه سیاسی شیعه، دکتر اصغر افتخاری، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره سوم، تابستان۸۸

۷- همان.

آگهی تغییرات شرکت آبادگستران هیرسا (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۱۴۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۶۷۵۴۰

به اســتناد صورتجلســه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۹/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شــد: خانمها فاضله رمضانی به شماره ملی ۲۵۹۳۹۴۳۰۲۵ و مهساء محمودی به شــماره ملی ۵۸۰۹۹۸۱۷۹۸ و آقای مهدی عبدی به شماره ملی ۲۲۱۹۵۷۵۴۴۶ هرکــدام با پرداخت مبلغ چهار میلیارد و نهصد و نود و نه میلیون و پانصد و ده هزار ریال به صندوق شــرکت سهم الشــرکه خود را از مبلغ چهارصد و نود هزار ریال به مبلغ پنج میلیارد ریال افزایش دادند در نتیجه ســرمایه شــرکت از مبلغ یک میلیون و چهارصــد و هفتاد هزار ریال به مبلــغ پانزده میلیارد ریــال افزایش یافت و ماده ۴ – اساســنامه به شرح مذکور اصلاح گردید و سهم‌الشــرکه شرکا پس از افزایش سرمایه بشرح ذیل می‌باشــد: آقای مهدی عبدی و خانم‌ها فاضله رمضانی و مهساء محمودی هر کدام مبلغ پنج میلیارد ریال سهم‌الشرکه.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری قزوین
شناسه آگهی: ۳۸۰۱۰۵

آگهی تغییرات شرکت آبادگستران هیرسا (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۱۴۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۶۷۵۴۰

به اســتناد صورتجلســه هیئت مدیره مــورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شــد: ۱- خانم فاضله رمضانی به شــماره ملی ۲۵۹۳۹۴۳۰۲۵ (از شرکاء) به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای مهدی عبدی به شماره ملی ۲۲۱۹۵۷۵۴۴۶ (از شرکاء) به ســمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و خانم مهســا محمودی به شماره ملی ۵۸۰۹۹۸۱۷۹۸ (از شــرکاء) به ســمت عضو هیئت مدیره و آقای حامد شعبانی به شــماره ملی ۰۰۶۱۸۶۱۸۴۷ (خارج از شرکاء) به ســمت نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب شــدند. ۲- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات قراردادها و عقود اســلامی با امضــاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشــد و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری قزوین
شناسه آگهی: ۳۸۰۱۰۴

آگهی تغییرات شرکت آباد گستران هیرسا (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۱۴۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۶۷۵۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مهدی عبدی به شماره ملی ۲۲۱۹۵۷۵۴۴۶ (از شرکاء) و خانمها فاضله رمضانی به شماره ملی ۲۵۹۳۹۴۳۰۲۵ (از شرکاء) و مهســاء محمودی به شماره ملی ۵۸۰۹۹۸۱۷۹۸ (از شرکاء) و آقای حامد شعبانی به شماره ملی ۰۰۶۱۸۶۱۸۴۷ (خارج از شرکاء) فرزند دارابعلی متولد ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ به آدرس تهران پونک چهاردیواری خیابان ۲۴ متری زیتون مجتمع گلســتان بلوک ۱ واحد ۱۳ طبقه ۴ کد پســتی ۱۴۷۷۶۱۷۳۳۵ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری قزوین
شناسه آگهی: ۳۸۰۱۰۳

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهــی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانــون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۵۰۱۰۰۰۰۴۰۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحــد ثبتی حوزه ثبت ملک خنداب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بانک ملی شــعبه اراک در یک‌باب کارخانه به مساحت ۷۲۷۸/۶۰ مترمربع واقع در قسمتی از پلاک ۱ اصلی بخش ۴ حوزه ثبتی خنداب موسوم به دهشیرخان، مستند به سند انتقال اجرایی شماره ۱۳۹۴/۱۱/۱۸-۲۱۰۱۱ دفتر یک خنداب ملکی بانک ملی شــعبه اراک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شــود در صورتی که اشــخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: پنج‌شنبه ۱۳۹۷/۱۲/۲

ابوالفضل محتشم‌کیا- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان خنداب
م‌الف۵۸۵

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای محمدسلیم اصغری کورانه دارای شناسنامه شماره ۳۳۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۷۰۱۵۲۰/ش۶۷/ ۹۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مصطفی اصغری کورانه بشناسنامه ۵۴۲ در تاریخ ۶۱/۹/۱۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم/ مرحومه منحصر است به:
۱- محمد سلیم اصغری کورانه فرزند جاسم پدر متوفی ۲- خانم حضرت‌خواه فرزند کرم مادر متوفی.
اینک با انجام تشــریفات مقدماتی درخواست مزبور به اســتناد ماده ۳۶۲ قانون امور حقوقی را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۶۷ شورای حل اختلاف ارومیه

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای محمدسلیم اصغری کورانه دارای شناسنامه شماره ۵۳۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۷۰۱۵۲۱/ش۶۷/ ۹۷ از این شورا درخواســت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد اصغری کورانه بشناسنامه ۵۴۳ در تاریخ ۶۱/۹/۱۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم/ مرحومه منحصر است به:
۱- خانم حضرت‌خواه فرزند کرم مادر متوفی ۲- محمد سلیم اصغری کورانه فرزند جاسم پدر متوفی.
اینک با انجام تشــریفات مقدماتی درخواست مزبور به اســتناد ماده ۳۶۲ قانون امور حقوقی را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۶۷ شورای حل اختلاف ارومیه

تأسیس شرکت تضامنی صرافی محمد افتخاری و رمضانی و شرکاء در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ به شماره ثبت ۵۳۷۰۹۹ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۱۵۸۹۱

ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. موضوع فعالیت: فعالیت صرافی شامل خرید و فروش نقدی ارز، مسکوک طلای ضرب شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و انجام عملیات مربوط به حواله‌های ارزی از طریق بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی مجاز داخلی و ارایه خدمات ارزی برون مرزی از طریق کارگزاران در چارچوب قوانین و مقررات ارزی می‌باشد. به موجب مجور شماره ۹۷/۳۷۹۷۲۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تاسیس گردید. مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، جمالزاده، خیابان آزادی، خیابان توحید، پلاک ۳۷، ورودی شمالی، طبقه اول، واحد ۱۰ کدپستی ۱۴۱۹۹۱۳۴۶۶ سرمایه شــخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا آقای محمد افتخاری به شماره ملی ۰۰۷۳۶۸۱۲۹۶ دارنده ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه خانم ریحانه رمضانی به شماره ملی ۱۱۵۰۱۵۴۱۶۰ دارنده ۳۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه اعضا هیئت مدیره آقای محمد افتخاری به شماره ملی ۰۰۷۳۶۸۱۲۹۶ و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت نامحدود خانم ریحانه رمضانی به شماره ملی ۱۱۵۰۱۵۴۱۶۰ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و یا یکی از اعضاء هیئت مدیره با مهر صرافی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و یا یکی از اعضاء هیئت مدیره با مهر صرافی معتبر می‌باشــد. اختیارات مدیرعامل: طبق اساســنامه روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

تأسیس موسسه غیرتجاری تحکیم خانواده سایبان مهر همدان در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ به شماره ثبت ۸۷۴ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۵۵۹۷۸

ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.
۱- موضوع: الف- کاهش آســیب‌های اجتماعی علی‌الخصوص طلاق در استان و تحکیم خانواده و ازدواج آسان ب- روش اجرای هدف ۱- توزیع محصولات فرهنگی- آموزشی در راستای هدف بصورت رایگان ۲- کمک به راه‌اندازی مرکز مشاوره جهت مشاوره‌های فردی گروهی در راستای هدف بطور رایگان ۳- ارائه تسهیلات بدون ســود جهت خرید جهیزیه و خرید طلا ۴- معرفی به تورهای مســافرتی بصورت نیم‌بها یا رایگان ۵- برگزاری برنامه‌های مختلف شــامل همایش- نشست- نمایشــگاه به منظور تبیین گفتمان تحکیم خانواده «ثبت موضوع فعالیت موسسه مذکور بمنزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد»
۲- مدت: از تاریخ ثبت تا مدت دو سال
۳- مرکز اصلی: استان همدان، شهرستان همدان، بخش مرکزی، شهر همدان، شکریه، کوچه شهیدان مسعود و محمد هاشم رستمی، خیابان میرزاده عشقی، پلاک ۳۱۴، طبقه اول، کد پستی ۶۵۱۶۷۴۷۳۷۸
۴- سرمایه شخصیت حقوقی: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.
۵- اســامی و میزان سهم‌الشرکه شرکا: خانم جمیله علی‌بخشی دارنده ۱۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه، آقای مسعود ویژه دارنده ۲۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشــرکه، آقای حسن رضایی دارنده ۱۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه، آقای محمدعلی بادامی دارنده ۱۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشــرکه و خانم نرجس اسکندریان دارنده ۱۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه و آقای میلاد صالحی دارنده ۱۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه.
۶- اولین مدیران: خانم نرجس اســکندریان با کد ملی ۲۸۷۵۴۶۷۷۰۱ به ســمت مدیرعامل، آقایان محمدعلی بادامی با کد ملی ۲۸۷۴۸۴۷۰۱۲ به ســمت رئیس هیئت مدیره، حســن رضایی با کــد ملی ۲۸۷۴۵۷۲۴۰۴ به ســمت نایب رئیس، مســعود ویژه با کد ملی ۲۸۷۴۵۰۷۲۹۷ به ســمت خزانه‌دار و خانم جمیله علی‌بخشی با کد ملی ۰۰۵۳۲۵۲۱۸۷ به ســمت عضو اصلی همگی اعضای اصلی هیئت مدیره و آقای میلاد صالحی به شــماره ملی ۰۴۰۰۴۱۸۱۱ به سمت عضو علی‌البدل همگی اعضای هیئت مدیره برای